

درباره فیلم اجتماعی وملودرام جدید جاد آباتو

تنهایی‌های آشکار و نهان یک مادر و فرزند

«پادشاه جزیره استیتن» عنوان فیلم تازه‌ای است که جاد آباتو کارگردان آمریکایی ساخته و مثل سایر کارهای او فیلمی اجتماعی و ملودرام و بارگه‌های طنز آشکار و نهان است و به تبع آن فیلم‌های مطرح قبلی وی همچون «بیهوش شده»، «این ۴۰ سالگی است» و «مردم مسخره» را به یاد می‌آورد. تفاوتی که فیلم جدید آباتو با کارهای پیشین وی دارد، این است که به گونه‌ای مبتنی بر زندگی واقعی بازیگر نقش نخست خود یعنی بیت دیویدسون است که شهرت‌اش از حضور در برنامه تلویزیونی و پرطرفدار و کم‌دی و قدیمی «نمایش زنده شنبه شب» می‌آید. دیویدسون که سناریو را با مشارکت دوست دیرینش دیو ساریوس نوشته، در این فیلم ایفاگر نقش مرد ۲۴ ساله‌ای به‌نام اسکات کارلین است. کارلین از زمان مرگ پدرش که در ۷ سالگی وی حادث شد، عملاً هیچ کار قابل ذکری در زندگی‌اش انجام نداده و در خانه مادریش کنارتوی زندگی می‌کند. مادر او که مارژی نام دارد و ایفای نقش او با ماریزا تومی (برنده جایزه اسکار سال ۱۹۹۲) است، به شغل پرستاری مشغول و آماده سفر دخترش کلیر (با بازی مود آباتو) است. کلیر می‌خواهد به کالج برود و دیگر نمی‌تواند کنار خانواده‌اش روزگار بگذراند. تشابه‌ها بین این آدم‌ها با بازیگران ایفاکننده این نقش‌ها بویژه در مورد پیت دیویدسون کاملاً محسوس است. طبق سناریو، پدر اسکات کارلین یک آتش‌نشان بوده که هنگام خدمت کشته شده است و از قضا پدر دیویدسون نیز در زندگی واقعی‌اش آتش‌نشانی بود که هنگام تلاش برای اطفای آتش‌سوزی برخاسته از واقعه ۱۱ سپتامبر در برج‌های دوقلوی شهر نیویورک در سال ۲۰۰۱ جان سپرد. اسکات براساس داستان فیلم از بیماری کرون رنج می‌برد که نوعی اختلال شخصیتی است و با وجود این به‌شدت عشق نقاشی و خالکوبی روی بدن دارد و دومی را هم در صورت اجرای صحیح یک هنر متعالی می‌انگارد. مجموعه این عناصر و احساس‌ها یک‌بار دیگر فیلمی را از جاد آباتو رویه‌روی بینندگان قرار داده که صمیمی و گرم نشان می‌دهد و به همین سبب مردم با آن همذات‌پنداری کرده و به تماشای آن حتی در روزهای کرونایی جهان اشتیاق نشان داده‌اند.

■ راضی ناراضی!

مارژی از زندگی خود و وابستگی‌اش حتی با اینکه از سطح متوسط فراتر نمی‌رود، راضی است و اعتقاد دارد بلندپروازی‌های بیش از این جایز نیست اما پنهان نمی‌کند که از تنهایی و نداشتن همدم‌هایی همسن با خود رنج می‌برد و ترجیح می‌داد که در این سن رو به افزایش و در گذر از میانسالی به سمت پیری، شریک و شوهری می‌داشت تا بروی تکیه کند، او نمی‌داند با پسرش اسکات چه کند. با مردی که هنوز با دوستان زمان نوجوانی‌اش رفت و آمد دارد و آرزویش دایر کردن مکانی است که هم حکم یک کافه و رستوران را داشته باشد و هم آرایشگاهی که در آن به سفارش مشتریان و درخواست‌کنندگان خالکوبی‌هایی روی آنان صورت گیرد. با این حال ارتباط خوبی بین آنها وجود دارد تا اینکه سرانجام روزی مردی جدید (با بازی بیل بر) که او هم یک آتش‌نشان است، وارد زندگی مارژی می‌شود و علاقه‌ای بین آنها شکل می‌گیرد و قرار به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک می‌گذارند و این به معنای حذف کم و بیش اسکات از زندگی مارژی با حداقل تبدیل شدن او به فردی دارای اهمیت درجه چندم در زندگی مادرش است. چیزی که اسکات در ابتدا برای فهم و تحمل و فرو رفتن در قالب آن مشکلات عده‌ای دارد.

■ در مسیری مشابه

از این منظر و با توجه به آن چه از اسکات کارلین و اطرافیان وی در «پادشاه جزیره استیتن» می‌بینیم، این فیلم و بخصوص کاراکتر اول آن فرق چندانی با فیلم‌ها و کاراکترهایی مانند «Up Knocked» یا «مجرد ۴۰ ساله» ندارد و زمینه و حال و هوا و آدم‌های این فیلم‌ها همگی در یک مسیر گام برمی‌دارند و به دنبال گمشده‌هایی می‌گردند



پیت دیویدسون (وسط) و بزرگسالان و بچه‌های دور و برش از انواع گرفتاری‌ها و بیماری‌ها در جزیره غیرواقعی استیتن رنج می‌برد

که می‌دانند چیست اما برای کشف و لمس آنها مشکل دارند و سده‌های آشکار و پنهان مآزلی آنها بسیارند. دیویدسون کوشیده‌است برای حل مشکل فوق و کاملاً شبیه نشدن موضوع این فیلم به سایر کارهای جاد آباتو حداکثر تلاش خود را صورت دهد و شاید موفق هم بوده باشد زیرا با همت وی کاراکتر اسکات کارلین جدی‌تر و تلخ‌تر از چیزی نشان می‌دهد که در فیلم‌های «Up Knocked» و «مجرد ۴۰ ساله» مشاهده شده بود و ست روگن و استیو کالر که ایفاگر نقش‌های اصلی آن فیلم‌ها بودند، در قیاس با پیت دیویدسون ملایم‌تر و شوخ‌تر بودند و خبری از حقایق تلخی که در «جزیره استیتن» قابل رؤیت است، در آن فیلم‌ها نبود. در فیلمی که آتش‌نشان‌ها حرف اول را در آن می‌زنند، فرد دیگری از این حرفه نیز با بازی استیو بوسکمی کهنه‌کار وارد متن اتفاقات می‌شود و اسکا کارلین برای حل مشکلات و رفع تنهایی خود به وی رجوع می‌کند و در چنین ساعات و دقایقی اسکات فکر می‌کند که به پدرش روی آورده زیرا عادات و رفتار این آتش‌نشان به پدر مرحوم وی بسیار شبیه است.

■ و یک افسوس...

مجموعه این اتفاقات از «پادشاه جزیره استیتن» فیلم قابل اعتنایی ساخته است و اگر کمبود و افسوسی وجود داشته باشد، صرف‌نظر از برخی حفره‌ها و عیب‌ها در بدن داستان این نکته است که فیلم به سبب استمرار مشکلات و محدودیت‌های برخاسته از بسط کرونا تا حدی به صورت اکران وسیع بلکه در قالب VOD (سفرارش ویدئویی) یا Streaming (دانلود روی برخی سایت‌ها) در اختیار مردم در غرب گذاشته شده و در نتیجه بینندگان آن بسیار کمتر از چیزی بوده‌اند که در صورت اکران گسترده در سطح آمریکای شمالی و سایر نقاط دنیا می‌توانستند باشند.

منبع: People Magazine



دو پاتل(راست) و آتیورین بارنارد در صحنه‌ای از نسخه تازه و البته غیر متعارف دیوید کاپر فیلد

داستان کلاسیک چارلز دیکنز در قالبی جدید

روایتی نواز رنج‌ها و سفرهای «کاپر فیلد»

فیلم هفته

رومان روحانی
روزنامه نگار

از روی رمان مشهور «دیوید کاپر فیلد» که آن را چارلز دیکنز بریتانیایی نوشته، نسخه‌ای سینمایی، تلویزیونی و تئاتری متعددی ساخته شده و البته مشکل مشترک و هدف تقریباً دست نیافته خالقان تمامی آنها برابری نیافتن نسخه تصویری حاصل با باغیان نوشتاری اصل قصه بوده و این نسخه‌ها هرگز نتوانسته‌اند همان میزان پیام‌رسانی و جذابیت داشته باشند که کلمات سحرآمیز جادوی واژگان ظاهر ساده اما باوقع پیچیده و پربرمعانی دیکنز دربر داشته‌اند و این، آثار هنری را به کارهایی تبدیل کرده که حتی در صورت وفاداری به متن قصه‌ها، نتوانسته‌اند عمق نوشته‌های دیکنز را جلوه گر سازند. با چنین پس زمینه‌ای فیلم اخیر «تاریخچه شخصی دیوید کاپر فیلد» (با «زندگی نامه شخصی دیوید کاپر فیلد») را هم باید اثری هنری دانست که از زمان دیکنز الهامی مستقیم و تمام عیار گرفته ولی در یک قالب کم‌دی – درام شرایط زندگی و کارهای کاپر فیلد را می‌شکافد و از دستاوردها و تاکنمای او می‌گوید و و جوهی را بر داستان دیکنز افسانه‌ای می‌افزاید که پیش از این از نظرها پنهان مانده بود و بهتر است بگوییم بعضی از آنها اصلاً وجود خارجی نداشت و قوه تخیل و آمال از ماندنو ایانوچی، کارگردان این فیلم و شریک او در نوشتن فیلم‌نامه، سایمون بک‌لوف، آنها را پرورانده و به صحنه حیات و تجلی کشانده و سرانجام در قالب قصه کاپر فیلد به اجرا در آورده و در معرض نمایش گذاشته است.

■ سخت‌تر از تمامی نمونه‌های قبلی کاراکتر اصلی که همانا شخص دیوید کاپر فیلد است، در این نسخه غریب و سرشار از برخی سنت شکنی‌ها، توسط «دوپاتل» هندی ایفا شده که ۱۲ سال پیش در هیأت یک نوجوان در فیلم اسکاری و بسیار موفق بریتانیایی – هندی «میلیون زغانه‌نشین» به چشم خورد و شهرت و اعتبارش با گذشت زمان به حدی رسید که به آرامی در برخی فیلم‌های دیگر هالیوودی نیز به نقش‌های عمده‌ای ناال شد و «شیر» محصول ۲۰۱۶ نیز از آن قبیل بود. او حالا در قالب فیلم «تاریخچه شخصی دیوید کاپر فیلد» نیز حضوری موفق دارد

از کارهای شرق آسیایی تا «مأموریت غیر ممکن ۷»

فیلم‌هایی که در افق گم شدند

در ادامه روند به تعویق افتادن فیلم‌های متعددی که کار ساخت‌شان قبل از جولان کرونا شروع شده بود و پس از وجگیری این بلایه تا اطلاع ثانوی برچیده شدند، شماری از کارهای مدرن و خیرساز شرق آسیایی و حتی قسمت هفتم فرانچیز بسیار سوساز و ۲۴ ساله «مأموریت غیر ممکن» به آینده ارجاع شده و به سبب مشخص نبودن زمان ادامه تولیدشان به گونه‌ای رافق پیش رو گم شده‌اند. در ماه‌های اخیر آثار پر تعدادی از سینماگران پیش‌رو شرق آسیایی دچار توقف شده و کارشان را پایان داده‌اند بدون اینکه بگویند تاریخ از سرگیری فعالیت‌شان کی خواهد بود. یکی از آنها فیلمی است به نام «شکوفه‌ها» که آن را اوونگ کاروای سینماگر موز نوچ تحسین شده هنگ کنگی در دست تهیه دارد. کارهای پیش تولید این فیلم انجام شده و قرار بود تصویربرداری آن اردیبهشت ماه در شهر شانگهای چین صورت پذیرد اما طوفان کرونا امان نداد و بساط آنها را برچید و استودیوی تولیدکننده این فیلم هنوز اعلام نکرده چه تاریخ جدیدی را برای از سرگیری فعالیتش در ارتباط با این فیلم تعیین کرده است.

■ ژانگ کی و تغییر یک سناریو

دیگر فیلم شاخص شرق آسیایی گمشده در آینده‌ای نامعلوم کار جدید جی‌ژانگ کی یکی از بهترین‌های نسل جدید سینماگران چین است. نام این فیلم اعلام نشده اما قرار بود از اواخر اردیبهشت در چین مقابل دوربین برود که طبعاً از خیر آن هم گذشتند و حتی رهایی محسوس این کشور از بیماری کرونا که ابتدا آذرماه شده که شرایط دائماً در حال تغییر در جهان، شاید او را وارد کرد که تغییری محسوس را در سناریو و متن داستان فیلمش بدهد تا بیشتر به روز باشد.

■ تعویق پنج تا شش ماهه

یک فیلم دیگر شرق آسیایی که بساطش برچیده و دچار بلاتکلیفی شده، «عملیات نجات قطبی» با بازی دانی ین هنگ کنگی در نقش اصلی است که بیشتر حالت یک محصول مشترک دارد زیرا چند کشور اروپایی و آمریکا در تهیه بودجه ساخت آن مشارکت کرده‌اند. تهیه‌کنندگان این فیلم می‌گویند: فیلمبرداری و سایر کارهای تولیدی فیلم زودتر از دسامبر ۲۰۲۰ و ژانویه ۲۰۲۱ آغاز نخواهد شد و این یعنی پنج تا شش ماه بعد.

اصلی این فیلم تیلدا سوپین تون اسکاتلندی، هیولاری و پیتز کاپالدی آمریکایی و بن ویشاو بریتانیایی هستند و از پل وایت هاوس و گندولین کریستی هم در دیگر نقش‌های عمده این فیلم بهره گرفته شده است.

■ مرفه وراکد

یک خصلت ویژه و منحصر به فرد دیوید کاپر فیلد جدید به روزسازی آشکار و وسیع آن و انتقال زمانی قصه از عصر اصلی وقوع اتفاقات (دوره موسوم به ویکتوریان) به زمانه کنونی است و ما زندگی او را از بدو تولد تا امروز مقابل چشم‌های خود می‌بینیم. در قصه‌ای که هم آیینی‌های از زمان چارلز دیکنز است و هم نسخه‌ای متغیر از آن، کاپر فیلد را در شرایطی می‌یابیم که یک زندگی توأم با رفاه نسبی و قدری ساکن و از سرب‌مسئولیتی را در شهر لندن می‌گذراند. شرایط او با سر زدن به محل زیست پرستار ایام کودکی‌اش که زنی به‌نام پیگونی (با بازی دیزی می‌کوپر) است، قدری تغییر می‌یابد و این البته خانه‌ای قایقی و مستقر شده روی آب رودخانه‌ای در شهر پارموت انگلیس و در فاصله‌ای دور از پایتخت است.

■ زیرچشمه طلبکاران

پس از تجربه کردن چیزهایی تازه در این زندگی روستایی، دیوید به لندن برمی‌گردد و آنجا در می‌یابد که مادر جوان و مطلقه‌اش کلارا (با بازی مورفید کلارک) در غیاب وی با مرد متمول اما بی‌رحمی به‌نام مردستون (دارن بوید) وصلت کرده و او آنقدر ظالم است که از هر فرصتی برای زورگویی و کتک‌زدن دیوید بی‌نوا بهره می‌گیرد. در همین

راستا دیوید رنج‌ور و ناراحت را برای کار در کارخانه مردستون به آنجا گسیل می‌دارند و این مکانی است که یک سوئیت کوچک با اشتراک با خانواده آقای میکابر (پیتز کاپالدی) برای اقامت در اختیار وی گذاشته می‌شود. اینجا نیز قضایا به سادگی برای کاپر فیلد و اطرافیان وی سپری نمی‌شود زیرا خانواده میکابر باید پاسخگوی طلبکارانی باشند که پا روی گلویشان گذاشته‌اند و تا وقتی طلب خود را از آنها نگیرند، رهایشان نخواهند کرد.

■ از تازدی تا خوشبختی

تراژدی اصلی زمانی از راه می‌رسد که مادر دیوید بر اثر فشارهای زندگی و رنج‌های قبلی و کنونی خود فوت می‌کند و تنها دلخوشی کاپر فیلد برای ادامه زندگی در آن مکان رنگ می‌بازد و به همین سبب از آنجا گریخته و به نزد عمه ثروتمندش (بتسی تراتوود) و مستاجر خانه وی آقای دیک (هیولاری) می‌شتابد به این امید که در آنجا قدری به آرامش برسد. اینجا هم دیوید به برخی چالش‌ها در برخورد با امثال استیرفورت (آتیورین بارنارد) و اوریا هیپ (بن ویشاو) کشیده می‌شود اما در نهایت برپایه ثروت عمه‌اش این شانس را می‌یابد که به یک زندگی نیمه مفرح دست پیدا کند و مهم‌تر از آن به همان نویسنده‌ای بدل شود که همیشه آرزویش را داشته است.

■ انواع نشانه‌ها و تعدیل‌ها

اگر همه اینها اتفاقاتی است که نمونه‌ها و نشانه‌هایی از آن در کتاب کلاسیک چارلز دیکنز هم مشاهده شده بود، باید متذکر

شد که آرماندو ایانوچی در مقام کارگردان و خالق این نسخه متفاوت و مدرن از این داستان سنت‌گرا، انواع نشانه‌های جدید را ضمیمه متن داستان کرده و اقسام تعدیل‌ها را صورت داده، بدون اینکه روح اصلی و ذات داستان گم شود و هیچ اثری از کاپر فیلد واقعی در دل داستان نماند. ایانوچی که از بهار سال ۲۰۱۸ قرارداد ساختن این فیلم را با کمپانی‌های سازنده و توزیع‌کننده آن (شامل فیلم‌فور، سرچ لایت و لایونرگیت) منعقد کرد، تصویربرداری آن را با همت زاک نیوکلسون، فیلمبردار مجرب بریتانیایی از ژوئن ۲۰۱۸ که شهرهای نورفولک و سافولک شروع و در ماه آگوست این سال تمام کرد و سازندگان فیلم سری به شهرهای هال، بری سنت ادموندز و کینگ لین هم زدند که سرسبزی و زیبایی آنها زیانزد همگان است.

■ نمایش فیلم در مهد دیکنز

این فیلم پس از پشت سر گذاشتن کارهای فنی و تکمیلی‌اش سرانجام در جشنواره‌های بین‌المللی و معتبر تورنتو و لندن در سپتامبر و اکتبر ۲۰۱۹ به نمایش درآمد و اکران عمومی‌اش در بریتانیا، کشور محل روی دادن اتفاقات داستان و مهد چارلز دیکنز از ۱۳۹۸ بهمن آغاز شد و دو ماه هم به طول انجامید ولی اکران آن در امریکای شمالی و برخی نقاط دیگر اروپای غربی که قرار بود از ۲۲ اسفند ۹۸ شکل گیرد، به سبب تبعات مهلک اشاعه بیماری ویروس کرونا در سطح جهان به آینده‌ای دورتر موکول شد که به نظر می‌رسد شهریورماه امسال باشد.

■ بدون اسارت‌های زمانی

با این همه دیده شدن فیلم در بریتانیا و در جشنواره‌های مدرن بخت دیدگاه و برداشت‌های لازم از آن را به دست اهالی رسانه‌ها و سایت‌های هنری داده تا آن را نقد و تحلیل کنند و چیزهایی را در تمجید یا انتقاد از آن بنگارند. روتن توماتوز، یکی از معتبرترین سایت‌ها در میان نقدکنندگان بوده که نوشته است: «شکی نیست که نسخه تازه کاپر فیلد چهره‌ای مدرن‌تر و جدیدتر را به این داستان کلاسیک می‌بخشد و چیزهایی را در آن عیان می‌سازد که یا اصلاً در داستان اصلی نبوده‌اند یا اگر هم بوده‌اند، به دلایلی در گذشته و در نسخه‌های قبلی تجلی نیافته بودند. البته مجبور به اعتراف به این واقعیت هستیم که داستان فیلم‌های عموماً هالیوود به وی و عصرهای مختلف و همه دوره‌ها می‌خورد و یک اثر هنری بدون زان است و شاید به هیچ یک از فیلم‌هایی که گروه سازندگان این فیلم جدید به وجود آورده‌اند، نیازمند نبوده باشد.»

منبع: Sight and Sound



تام کروز (وسط) و پارانث مأموریت سخت و تازه خود را با تأخیری طولانی که مرتبط با بیماری کرونا است، انجام خواهند داد

و جانشین‌سازی برای او کارها را به پیش راند، از این کار پرہیز کرد و صبر و مدارا را در دستور کارش قرار داد تا هنکس ۶۴ ساله بیهود یابد و به عرصه تهیه این فیلم بازگردد. این شکیبایی نشان می‌دهد هنکس حتی ۴۰ و اندی سال پس از مطرح شدن اولیه‌اش در هنر سینما و در حالی که در مرز پیری حرکت می‌کند، هنوز مهره‌ای حساس و کلیدی در پروسه تولید فیلم‌های عمده هالیوود به حساب می‌آید و برای حفظ او تن به انواع ضررهای مالی و معنوی و تأخیرها می‌دهند، البته وارنر بعد از روشن بیماری وابسته به وی و همکاری دقیق در میان افراد هاکس به وی و همکاری» و همراهان او در صحنه‌های تولید «الویس» پرداخت و از آنها آزمایش‌های مجزایی گرفت تا اگر آلوده و آنها هم بیمار شده باشند، فکری برای آنان کند اما تکلیف این مسأله و نتایج نهایی این پیگرد بهداشتی هرگز اعلام نشده. به گزارش مطبوعات استرالیا، هنکس و همسرش ریتا ویلسون در روزها و هفته‌های منتهی به آشکار شدن بیماری‌شان، دائماً در تالار نمایش مرکزی شهر سیدنی (معروف «سیدنی ایرا هاوس») مشغول تمرین و اجرای برنامه بودند و با افراد و همکاران زیادی تماس داشتند و بعید بود که در آن روند به اشخاص دیگری لطمه زده باشند.

منبع: Daily mail

مدیریت او کاراکترها و روح و حال آن سریال تا حد زیادی حفظ شد اما بعداً که کار از دست دی پالم‌ا خارج گشت و او اشتیاقی به ادامه حضور در این سری فیلم‌ها را خود بروز نداد، حاکمیت تام کروز ستاره نخست و شخصیت اول این داستان‌ها که اتان هانت نامیده می‌شود، بر فیلم‌های بعدی بیشتر و بیشتر شد به‌طوری که خود وی برای فیلم‌های دوم به بعد و بخصوص قسمت‌های چهارم



تام هنکس (وسط) در میان الویس پریسلی(راست) و مدیر برنامه‌های الویس (چپ) که هنکس نقش وی را در فیلم ایفا می‌کند

تا ششم کارگردان تعیین می‌کرد و به همه کاره این فرانچیز تبدیل شد و بخش عظیمی از هزینه تولید آنها را هم پرداخت کرده است و فیلم‌های سینمایی ساخته شده از خود متمرکز بر خود او شده‌اند و آرتیست بازی‌های او به حدی رسیده که حتی کاراکتر جیمز باند با همه افسانه‌های ساخته شده پیرامون وی و صحنه‌های چشمگیر فیلم‌هایش با اتان